

[کلام محقق عراقی در اصل عدم نقل 1](file:///C:\Users\ARJAN\Downloads\Eitaa%20Desktop\U1mq1_13981010-062_hs2_mfeb.ir%20-%20Copy.docx#_Toc29099101)

[توهم: جریان استصحاب عدم نقل، شبهه مصداقیه نقض یقین به یقین است 2](file:///C:\Users\ARJAN\Downloads\Eitaa%20Desktop\U1mq1_13981010-062_hs2_mfeb.ir%20-%20Copy.docx#_Toc29099102)

[دفع توهم: در فرض علم اجمالی، همیشه شک وجود دارد 2](file:///C:\Users\ARJAN\Downloads\Eitaa%20Desktop\U1mq1_13981010-062_hs2_mfeb.ir%20-%20Copy.docx#_Toc29099103)

[مناقشه استاد در کلام محقق عراقی 3](file:///C:\Users\ARJAN\Downloads\Eitaa%20Desktop\U1mq1_13981010-062_hs2_mfeb.ir%20-%20Copy.docx#_Toc29099104)

**موضوع**: اصل عدم نقل /تعارض احوال لفظ /مقدمه علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در اصل عدم نقلی بود که محقق عراقی در مقابل اصل عدم نقل \_که مبتنی بر استصحاب قهقرائی بوده و مورد اتفاق است\_ ادعا نموده و بناء عقلا را بر آن دانستند.

# کلام محقق عراقی در اصل عدم نقل

در صورتی که لفظی، معنایی در قدیم داشته و شک در تاریخ مهجوریت آن داشته باشیم؛ یعنی الآن معنای دیگری برای لفظ وجود دارد و معنای قدیم مهجور است؛ ولی زمان مهجوریت معنای سابق روشن نیست؛ تا زمانی که نقل هنگام استعمال احراز نشود، اصل عدم نقل جاری می شود.

ایشان در جریان اصل عدم نقل تفصیل داده و فرمودند:

اگر زمان استعمال معلوم است؛ ولی نقل در آن زمان مشکوک است، اصل عدم نقل (اصل محرز) جاری خواهد بود؛ مثلا می دانیم روایتی از امام صادق است ولی زمان نقل معلوم نیست قبل از صدور روایت بوده یا بعد از آن نقل صورت گرفته است لفظ را بر معنای قدیم حمل می کنیم.

اما اگر زمان استعمال معلوم نباشد تفاوتی نمی کند تاریخ نقل معلوم باشد یا تاریخ نقل مجهول باشد؛ در هر صورت اصلی بر تاخر نقل و استعمال در معنای سابق وجود ندارد؛ مثلا نقل در زمان امام صادق بوده ولی نمی دانیم که روایت از امام علی صادر شده تا حمل بر معنای لغوی شود یا روایت از امام صادق بوده تا حمل به معنای جدید شود.

بنابر این روشن شد که علت حکم نکردن به صدور استعمال قبل از نقل در این فرض، این است که اصل عقلائی فقط در فرض علم به تاریخ استعمال وجود دارد، نه اینکه اصل عدم نقل تا زمان استعمال با اصل عدم استعمال تا زمان نقل متعارض باشند تا گفته شود \_ به جهت اینکه اصل عدم نقل عقلائی است ولی اصل عدم استعمال عقلائی نیست و استصحاب عدم استعمال نیز مثبت است\_ اصل عدم نقل بدون معارض جاری است.[[1]](#footnote-1)

## توهم: جریان استصحاب عدم نقل، شبهه مصداقیه نقض یقین به یقین است

توجه به این مطلب لازم است که اصل عدم نقل در این مساله به ملاک استصحاب نیست.

اما اگر جریان اصل عدم نقل به ملاک استصحاب باشد؛ گفته شده که جریان استصحاب عدم نقل، در فرضی که زمان نقل معلوم و زمان استعمال مشکوک باشد، تمام نیست؛ زیرا این فرض شبهه مصداقیه استصحاب است.

این اشکال همانند اشکالی است که مرحوم آخوند در توارد حالتین مطرح نموده است. به این بیان که در توارد حالتین\_ مثل اینکه نمی دانیم اول کریت آب بوده و بعد ملاقات با نجس صورت گرفته یا بر عکس بوده\_ برخی اصل را در معلوم التاریخ، به لحاظ حادث دیگر \_نه به لحاظ عمود زمان\_ جاری می دانند؛ یعنی در فرض علم به زمان ملاقات، استصحاب عدم ملاقات تا زمان کریت را جاری می دانند. به این مطلب اشکال شده بود که ممکن است در این مورد نقض یقین به یقین باشد، چرا که شاید کریت بعد از زمان ملاقات (معلوم التاریخ) باشد، پس محتمل است که جریان استصحاب عدم ملاقات تا زمان کریت، مستلزم نقض یقین به یقین باشد؛ چرا که امکان دارد کریت بعد از زمان ملاقات باشد.

در این مساله نیز گفته شده که در فرضی که تاریخ نقل معلوم باشد، جریان استصحاب عدم نقل تا زمان استعمال، ممکن است نقض یقین به یقین باشد، چرا که محتمل است زمان نقل (معلوم التاریخ) قبل از زمان استعمال باشد که در این صورت حالت سابقه عدم نقل، در زمان استعمال، نقض قطعی شده است!!

### دفع توهم: در فرض علم اجمالی، همیشه شک وجود دارد

محقق عراقی می فرمایند این توهم باطل است؛ زیرا

اولا اصل عدم نقل به ملاک استصحاب نیست.

ثانیا همانگونه که در بحث استصحاب گفته شده، تحقق نقض یقین به یقین در فرض علم اجمالی، محال است؛ زیرا علم اجمالی، محقق تردید است پس یقین تفصیلی به نقض وجود ندارد؛ یعنی هر چند علم اجمالی وجود دارد اما علم اجمالی، محقق شک است و لذا استصحاب معلوم التاریخ، مانعی به جهت احتمال نقض به یقین ندارد.

بنابر این عمده دلیل بر عدم جریان اصل عدم نقل، در فرض جهل به تاریخ استعمال، نبود مقتضی است.[[2]](#footnote-2)

## مناقشه استاد در کلام محقق عراقی

به نظر می رسد که محقق عراقی اشتباه نموده است و اصل عدم نقل به معنایی که ایشان ادعا نموده هیچ وجهی ندارد.

ایشان فرموده: در مواردی که لفظ در قدیم معنایی داشته، تا زمانی که معنای جدید آن معلوم نشود، باید بنا بر معنای سابق گذاشته شود و به صرف احتمال نقل و ابداع معنای جدید، نباید از معنای سابق رفع ید کرد و لذا حقیقت شرعیه منوط به اثبات است و اصل استعمال در معانی لغویه است. بنابر این اگر شارع لفظی را استعمال نمود و تاسیس معنای جدید محرز نباشد، استعمالات شارع حمل به معانی لغویه می شود.

این مطلب صحیح و تمام است و لذا تا زمانی که معنای شرعی محقق نشود، الفاظ شرعی منزل بر معانی لغوی است؛ اما محقق عراقی از مطلب حقی برداشت باطل داشته اند؛ به این بیان که:

هر چند الفاظ شارع محمول بر معانی لغویه است؛ اما این مساله تطبیق بر اصل عدم نقل نخواهد شد و بین این دو مساله تفاوت است؛ زیرا اینکه الفاظ شرعی منزل بر معانی لغویه هستند، امری قطعی است نه اینکه اصل بر این باشد؛ چرا که اگر شارع معنای جدیدی ابداع کرده بود، باید بیان می شد و طبیعتا \_ به جهت اینکه دواعی نقل آن زیاد است \_ بعد از بیان، مخفی نمی ماند؛ پس اگر ردع روشن و واضحی نشود، یعنی شارع به آن تذکر نداده بوده و وضع جدید نداشته است.

پس حمل لفظ بر معانی لغویه بر اساس اصل عدم نقل نیست؛ بلکه بر اساس اطلاق مقامی است چرا که در هر استعمالی، الفاظ محمول بر معنای لغوی است و اگر معنای دیگری اراده شده است، باید بدان تصریح شود و اگر تصریح به معنایی نشده بود، قطع به عدم نقل خواهیم داشت.

در صورتی که لفظی در لسان متشرعه تغییر و نقل پیدا کرده باشد، بر اهل لسان مخفی نخواهد ماند و شک در آن محقق نمی شود؛ زیرا معانی الفاظ بر اهل آن لغت هیچ گاه مخفی نمی ماند.

بله احتمال اینکه مبدا نقل مشکوک باشد، وجود دارد؛ اما در چنین فرضی \_ همانطور که مرحوم آخوند و... فرموده اند \_اصلی بر عدم نقل وجود ندارد و ادعای اصل عقلائی تاخر نقل، توسط مرحوم عراقی، وجهی ندارد؛ مثلا اگر استعمال زمان امام صادق است اما معلوم نیست که نقل در زمان امام صادق بوده یا زمان امام عسکری، در این صورت هیچ اصل عقلائی بر عدم نقل وجود ندارد. همچنین ادعای اینکه زمان نقل باید در تاریخ ذکر شود، وجهی ندارد؛ زیرا دواعی بر بیان اصل نقل وجود دارد اما داعی بر بیان زمان نقل وجود ندارد؛ چرا که نقل، در طول زمان و به کندی ایجاد می شده است نه اینکه توسط یکی از ائمه، معنای جدید تعیین شود تا توسط روات در تاریخ ذکر شود.

سر مطلب این است که ملاک در اصل عدم نقل، ثبات معانی است پس در موردی که اصل نقل مشکوک باشد، اصل ثبات، اقتضای ثبات معنا را دارد؛ ولی اگر مبدا نقل معلوم باشد، ثبات قطعا زائل شده است و اصلی بر تعیین و تاخر مبدا زوال ، وجود ندارد.

اصل ثبات نه تنها در الفاظ، بلکه در قرائن عامه، ارتکازات و سیره عقلائیه و....نیز جاری است و لذا ثابت می شود که این امور حادث نبوده و قدیمی هستند.

1. [مقالات الاصول، آقا ضیاء الدین العراقی، ج1، ص126.](http://lib.eshia.ir/13049/1/126/دورانه) [↑](#footnote-ref-1)
2. [مقالات الاصول، آقا ضیاء الدین العراقی، ج1، ص127.](http://lib.eshia.ir/13049/1/127/المعروف) [↑](#footnote-ref-2)